



# مدل مدیریتی شهید سلیمانی، مدل بزننگاه بود

روایت سخت‌ترین عملیات حاج قاسم

صحنه‌ها ایجاد شده بودند، مدیریت کند. در یک زمانی حاج قاسم را در رأس چهار جنگ می‌دیدیم. جنگ یمن، جنگ عراق، جنگ سوریه و جنگ فلسطین با به تعبیری جنگ‌های فلسطین، اینها همزمان بود؛ در یک زمان اتفاق افتاده بود و شهید هر چهار را باید مدیریت می‌کرد. من این را گاهی که به اتاق ایشان می‌رفتم، می‌دیدم. مثلا همزمان یک گروه عراقی در اتاقش نشستند، در حین گفت‌وگو با اینها تلفن از سوریه زنگ می‌زند یا ایشان با سوریه تلفنی صحبت می‌کند و همزمان دغدغه لبنان را دارد. خود ایشان می‌گفتند من آنچه را که در جنگ هشت‌ساله عمل کردیم، اینجا پیاده کردم. همه آن چیزهایی را که در جنگ بود، شهید سلیمانی بازسازی کرد. در عراق، در سوریه، در جاهای دیگر و لذا صحنه ظاهرا به لحاظ نوع مرافعه و فرماندهی حاج قاسم همان صحنه جنگ هشت‌ساله است.

آقای دکتر، نکته‌ای که شاید به ذهن من مخاطب می‌رسد این است که جنگ ما یک جنگ کلاسیک قدیمی و به نوعی سنتی بود و جبهه‌ها مشخص بود. نیروها به نوعی نیروهای قدیمی زمینی، هوایی، دریایی بودند اما به نوعی در سوریه، فلسطین و عراق واقعا جنگ نامتقارن یا حتی جنگ ترکیبی نزدیک شده بود. حتما بخش زیادی از تجارب دفاع مقدس در منطقه هم قابل استفاده بود اما بسیاری از صحنه‌ها و مسائل هم در جنگ‌های اخیر تفاوت پیدا کرده بود.

در این صحنه خب، آن ذهنیت و ظرفیت دفاع مقدس را شهید سلیمانی داشت و عناصر شکل دهنده به دفاع مقدس و پیروزی دفاع مقدس هم این‌طور نبود که فقط بعد کلاسیک داشته باشد یا عمدتا بعد کلاسیک داشته باشد.

مثلا فتح خرمشهر اصلا جنبه کلاسیک نداشت، ما با ارتش و تانک‌های ارتش و اینها خرمشهر را فتح نکردیم یا مثلا فتح فاو، با هواپیما و هلی‌کوپتر و توپ و تانک و اینها انجام نشده، با همین چند دوره نامتقارن به تعبیری اتفاق افتاده است. بنابراین، این یک مطلب است.

مطلب دوم این‌که شهید یک

طی سال‌های پس از شهادت شهید سلیمانی از مدیریت ایشان در حوادث منطقه‌ای و در دوران جنگ تحمیلی مطالب زیادی بیان شده و بسیاری از نزدیکان ایشان به نقل خاطراتی از این شهید عزیز پرداخته‌اند اما در این مصاحبه تلاش شده که نکات جدیدی از سیره مدیریتی شهید سلیمانی استخراج شود. این‌که شهید سلیمانی در حوادث منطقه چگونه تصمیم‌گیری می‌کردند و از چه تجاربی استفاده می‌کردند، این‌که اصول مدیریتی در حوادث چه بود، این‌که خلاقیت و شخصیت فردی ایشان چقدر در عملیات‌ها اثرگذار بود و بسیاری از موضوعات دیگر در مصاحبه با دکتر سعادت زارعی، رئیس موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور مطرح شده است. دکتر زارعی فردی است که سال‌ها از نزدیک با شهید سلیمانی محشور و همراه بوده و می‌تواند روایتگر بسیار خوبی از سیره مدیریتی این شهید والامقام باشد.

به نظر شما اصول رفتاری و مدیریتی شهید سلیمانی در سپاه قدس چه بوده و این اصول چگونه شکل گرفته است؟ آیا منشأ این اصول رفتاری ویژگی‌های شخصیتی ایشان بوده؟ تأثیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر شهید سلیمانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یک مطلبی را از خود شهید بزرگوار سردار سلیمانی شنیدم که در پاسخ به این سؤال شما خیلی مهم است. ایشان می‌فرمودند آن چیزی که ما الان داریم می‌بینیم در سطح جهان و به خصوص در کشورهای منطقه و به طور خاص هم ایشان اشاره داشت به حوزه‌های مأموریتی در عراق، لبنان، سوریه، فلسطین، یمن و بعضی جاهای دیگر، این بود که اینها کوچک شده صحنه دفاع مقدس خودمان است؛ یعنی بزرگ این حوادث هشت سال دفاع مقدس بوده که در آنجا با کل دنیا عملا درگیر بودیم. درگیری با آمریکا را در آن جنگ تجربه کردیم، درگیری با

برخی دولت‌های عربی را تجربه کردیم. ائتلاف‌های خودمان را تجربه کردیم و

صحنه‌های بسیار سخت را دیدیم، شرایط بد اقتصادی را در این دوره از سر

گذراندیم و عناصر مثبت که مکتب بود، تبعیت از رهبری بود و فداکاری

بود، هوشیاری بود، همبستگی بود، ابتکار عمل بود و به کارگیری نیروی

جوان بود. همچنین دل زدن به کارهای به ظاهر نشدنی مثل فتح فاو در

والفجره یا فتح خرمشهر در عملیات بیت المقدس را هم تجربه کردیم.

ایشان می‌گفتند: این حادثه خیلی بزرگ بود؛ یعنی آن چیزی که ماهشت

سال تجربه کردیم. و لذا آنچه ما الان در سوریه داریم مدیریت می‌کنیم،

ابعادش خیلی کوچک‌تر از ابعاد دفاع هشت‌ساله خودمان است. خب،

ایشان هم در دوره دفاع مقدس یکی از فرماندهان بسیار

اسم‌ورسم‌دار صحنه جنگ بود و تقریبا تمام آن

چیزی که آنجا عملا انجام شده بود در حال

تکرارش بود.

تجربه شده بود.

حاج قاسم این را آورد در صحنه

فرماندهی نیروی قدس و از همه آن

ظرفیت‌ها استفاده کرد و توانست با

همان منطقی که ایران هشت سال

جنگ را با پیروزی به پایان رساند،

صحنه‌های مختلف را که همزمان این

